

Research Article

Comparative and analytical comparison of the means of participation of provincial road soldiers Case study: Sardar Shahid Ghasem Soleimani and Sardar Shahid Malek Ashtar Nakhaei

Shahrokh Hekmat¹, Esmail Eslami^{2*}

Abstract

Paying attention to the beginning of Islam and paying attention to the life of the Prophet (PBUH) and the Amir al-Mu'minin (AS) as well as the way of life of the companions of the Prophet and the special companions of the Amir al-Mu'minin (AS) caused many personalities in the present age to lose their epistemological model. The companions of the Prophet (PBUH) and Hazrat Amir (AS) should choose. Malek Ashtar Nakhaei is one of these characters. Malek was one of the leaders of Rashid Islam and one of the most devoted companions of the Amir al-Mu'minin (AS), whose governorship is famous in history. Malek Ashtar is one of the personalities who deserves to be a role model for the believers; Because he, after the rank and position of the Infallible Imams (AS), was the master of the time. The personal and social characteristics of Malek Ashtar made him always a role model and always caused fear and anxiety for the enemies. Martyr Qassem Soleimani, following his example, was one of the prominent commanders trained in the school of Islam who spent his entire life in jihad for the sake of God. In this article, while introducing these two commanders, we will deal specifically with the concept of the keyword "province". The result of this article was that several common characteristics of these two commanders are more frequent, including: guardianship, God-centeredness and spirituality, support and arm of the province, courage, optimism and genius and tact.

Keywords: Sardar Soleimani, Malek Ashtar, Province, Obedience, Soldier

1. Associate Professor, Persian Language and Literature Dept., Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran
2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran

Correspondence Author: Esmail Eslami

Email: dr.eslami.ut.ac@mail.ir

DOI: [10.30495/CLQ.2022.1948887.2350](https://doi.org/10.30495/CLQ.2022.1948887.2350)

Receive Date: 03.01.2022

Accept Date: 21.09.2022

مقایسه سنجشی و تحلیلی وجوه اشتراک سربازان راه ولایت سردار شهید قاسم سلیمانی و سردار شهید مالک اشتر نخعی

شاهرخ حکمت^۱، اسماعیل اسلامی^{۲*}

چکیده

دقت نظر به صدر اسلام و توجه به سیره پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) و همچنین طریق سیر و سلوک اصحاب پیامبر و اصحاب خاص حضرت امیرالمومنین (ع) سبب گشت تا بسیاری از شخصیت‌ها در عصر حاضر نیز الگوی معرفتی خود را از میان اصحاب پیامبر (ع) و حضرت امیر (ع) انتخاب کنند. مالک اشتر نخعی یکی از این شخصیت‌هاست. مالک از سرداران رشید اسلام و از سرسپرده‌ترین یاران امیرالمومنین (ع) بود که ولایتمداری او شهره تاریخ است. مالک اشتر، از شخصیت‌هایی است که شایستگی سرمشق شدن و الگو بودن برای مؤمنان را دارد؛ چرا که وی، پس از مرتبه و مقام امامان معصوم (ع)، سرور و سرآمد زمان خود بود. ویژگی های فردی و اجتماعی مالک اشتر موجب شد که همیشه سرمشق و الگو باشند و همواره سبب ترس و اضطراب برای دشمنان بوده است. سردار شهید قاسم سلیمانی با الگو قرار دادن ایشان، یکی از سرداران برجسته تربیت شده در مکتب اسلام بود که همه عمر خویش را به جهاد در راه خدا گذراند. در این نوشتار ضمن معرفی این دو سردار، به طور اختصاصی به مفهوم کلیدواژه «ولایت» می‌پردازیم. ما حاصل این نوشتار آن شد که چند ویژگی مشترک در این دو فرمانده از بسامد بیشتری برخوردار است، از جمله: ولایتمداری، خدامحوری و معنویت، تکیه‌گاه و بازوی ولایت، شجاعت، خوش‌فکری و نبوغ و درایت.

واژگان کلیدی: سردار سلیمانی، مالک اشتر، ولایت، فرمانبرداری، سرباز

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران

ایمیل: dr.eslami.ut.ac@mail.ir

نویسنده مسئول: اسماعیل اسلامی

DOI: 10.30495/CLQ.2022.1948887.2350

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

۱. مقدمه

فرماندهی از مسئولیت‌های سنگین و بسیار مهم تلقی می‌شود. در دین مبین اسلام نیز ویژگی‌هایی را برای یک فرمانده برشمرده‌اند. ائمه نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند تاجایی که حضرت علی(ع) اولین امام شیعیان در کتاب شریف نهج‌البلاغه ویژگی‌هایی را برای فرمانده بیان داشته‌اند. امام علی(ع) در نامه ای به سردار رشید اسلام مالک اشتر نخعی صفاتی را به عنوان صفات یک فرمانده موفق برمی‌شمرند.

مالک اشتر نمونه یک فرمانده بزرگ از دیدگاه حضرت علی(ع) است. او تابع محض ولایت بود تا آنجا که وی از مخالفان حکمیت بود؛ اما چون امام(ع) حکمیت را پذیرفته بود، از وی پیروی کرد (امین، ۱۴۳۰ق، ج ۹، ۳۹). مالک دورانی از زندگی خود را در یمن گذراند. او فرماندهی دلیر و بی‌باک بود. ابن ابی الحدید معتزلی که یکی از افرادی است که شرحی بر نهج‌البلاغه نوشته می‌گوید: اجر مادری که شیر می‌ماند مالک اشتر را تربیت کرده با خداست؛ چرا که اگر فردی قسم بخورد که شجاع تر از مالک پس از علی(ع) کسی هست، او حقیقتاً سخن درستی گفته است.

یکی از افرادی که جماعت را به بیعت علی(ع) دعوت نمود و سپس آنان را رهبری کرد، مالک بود. او در جنگ‌های بسیاری شرکت داشت؛ از جمله جنگ‌های جمل که بین امام(ع) و عایشه، همسر پیامبر(ص) و طلحه و زبیر اتفاق افتاد. هم‌چنین جنگ نهروان که با خوارج رخ داد و در نهایت جنگ صفین که با سپاه شام بود. او مردی بسیار قوی و از رهبران و بزرگان شیعه در دوران صدر اسلام است.

نمونه مشابه مالک اشتر در دوران معاصر طبق گفته‌ی رهبر معظم انقلاب سردار شهید قاسم سلیمانی است. او نمونه‌ی بارزی از یک سرباز فداکار و پیرو راستین راه ولایت بود.

اشتراکات زیادی بین این دو فرمانده وجود دارد از جمله اینکه آن‌ها در جنگ‌های بسیار زیادی شرکت داشتند و هردو در منطقه عملیاتی عراق و شام حضور داشتند. هر دو مطیع امر رهبر و مقتدای خویش بودند، و موارد شایان ذکر دیگری که در ادامه می‌آید.

باتوجه به محدودیت این پژوهش از جهت حجم و هم‌چنین با نظر به این مطلب که زمان ساماندهی این پژوهش اندک بوده است، لذا ما تنها به برخی از ویژگی‌های این دو سردار سربلند اسلام می‌پردازیم.

۲. مفهوم شناسی

الف. قاسم سلیمانی

قاسم سلیمانی در ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ش در روستای قنات ملک از توابع شهرستان رابر کرمان در ایل عشایر سلیمانی به دنیا آمد. به گفته برادرش، او یکی از گردانندگان اصلی راهپیمایی‌ها و اعتصابات کرمان در زمان انقلاب اسلامی بود. او یکی دو سال پیش از انقلاب ۱۳۵۷ از طریق سید رضا کامیاب جذب نهضت امام خمینی (ره) شد. او پس از انقلاب و با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به این نهاد پیوست و از اعضای واحد آموزش و مربی پادگان آموزشی قدس سپاه کرمان شد. (میرزایی، ۱۳۹۰، ۸۲). سلیمانی در دوران جنگ عراق و ایران، دو بار مجروح شد که یک بار آن، جراحتش شدید بود (میرزایی، ۱۳۹۰، ۸۲).

قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶، هم‌زمان با اوج‌گیری طالبان در افغانستان، از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد و تا زمان شهادتش یعنی ۱۳ دی ۱۳۹۸ در این سمت باقی ماند. از جمله پیامدهای شهادت وی حمله به پایگاه هوایی عین الاسد که تحت شعار «انتقام سخت» اتفاق افتاد و سرنگونی پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

ب. مالک اشتر نخعی

مالک بن حارث بن عبد یغوث از قبیله مذحج و از تیره بنی‌نخع بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲۳۹، ۶). کنیه اش ابو ابراهیم است. مالک در رجزش در جنگ صفین خود را از قبیله مذحج معرفی کرده است (ابن‌مزامح، ۱۴۰۴ق، ج ۳۹۵، ۱). او در جنگ یرموک از ناحیه چشم آسیب دید به همین سبب به وی لقب اشتر دادند (ابن‌حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۱۲، ۶). سال تولد مالک به درستی مشخص نیست، اما ابن‌ابی‌الحدید معتزلی سال ۳۹ق را سال وفات وی می‌داند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵۰، ۱). گفته شده حضرت علی(ع) در هنگام دریافت خبر وفات مالک اشتر، جایگاه او را در برابر خود، همانند جایگاه خود در برابر پیامبر(ص) دانست (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹ق، ج ۱۵، ۹۸). از آن جا که معاویه از این رابطه معنوی بین امام (ع) و مالک آگاهی داشت دستور داده بود که در خطبه‌ها علاوه بر لعن امیرالمؤمنین (ع)، و امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، نیز به مالک اشتر و عبدالله بن عباس لعن هم کنند.

به شهادت تاریخ امیر مومنان همواره در رثای مالک افسوس و حسرت می‌خورد به طوری که اطرافیان گفته‌اند چندین روز به این حال بود. (الثقفی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۶۵-۱، ۲۶۶). ابن‌ابی‌الحدید با تمسک به حدیثی از پیامبر(ص) که در آن از حاضر شدن گروهی از مومنان بر جنازه ابوذر غفاری خبر می‌دهد؛ این حدیث راه شهادت قطعی پیامبر(ص) بر ایمان و فضیلت مالک اشتر می‌دانند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ۹۹).

امام علی(ع) نامه‌ای به مردم مصر نوشت و در آن از مالک اشتر نخعی با عنوان تیغی تیز و بران یاد کرده که در روزهایی با حوادث سخت و وحشت، پلک بر هم نمی‌زند و هیچ‌گاه از دشمن ترسی به دل راه نمی‌دهد. (نهج البلاغه، نامه ۳۸).

در دوران خلافت عثمان، مالک اشتر به شام تبعید شد. معاویه حضور مالک را در شام برنتافت (ابن‌شبهه، ۱۳۹۹ق، ج ۱۴۴۱، ۳) و چندی بعد او و همراهانش به حمص، نزد عبدالرحمن بن خالد تبعید شدند (بلادری، ۱۴۱۷ق، ج ۵۳۲، ۵). معاویه بن ابی‌سفیان معتقد بود علی دو دست داشت که یکی از آنها عمار یاسر و دیگری مالک اشتر بود که با شهادت یکی در صفین و دیگری در مصر، بریده شدند (ثقفی، ۱۳۵۳ش، ج ۲۶۴، ۱) و (شیخ مفید، ۱۳۹۰ش، ۸۱).

مطابق برخی گزارش‌ها، پس از کشته شدن عثمان، مالک اولین شخصی بود که با علی(ع) بیعت کرد (ابن‌کثیر، ۴۰۷ق، ج ۷، ۲۲۶). وی از جمله اشخاصی بود که در هدایت مردم به بیعت با علی(ع) نقش داشت و با بیان اینکه «علی وصی اوصیا و وارث علم انبیاست» مردم را به بیعت با او دعوت می‌کرد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ۱۷۹). مالک اشتر در جنگ جمل، فرمانده جناح راست لشکر علی(ع)

بود (دینوری، ۱۳۶۸ش، ۱۴۷). مالک اشتر در جنگ صفین از فرماندهان سپاه علی(ع) بود و فرماندهی کوفیان را بر عهده داشت (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ۶۲۹). علی(ع) مالک را مأمور ساخت تا آبراه را از محاصره دشمنان خارج سازد؛ مالک بعد از شکستن حصر آبراه، به فرمان علی(ع) از آب برداشتن سپاهیان شام، ممانعت نکرد (مقدسی، بی تا، ج ۵، ۲۱۷).

امام علی (ع) طی نگارش نامه‌ای خطاب به مالک، بسیاری از وظایف و مسئولیت‌های او را در قبال مردم و کیفیت رفتار با آنان رابه وی گوشزد می‌کند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳). مطابق برخی از احادیث مالک اشتر در دوران ظهور مهدی(ع) رجعت خواهد کرد؛ بر اساس روایتی از مفضل بن عمر از امام صادق(ع) زمانی که قائم(ع) ظهور کند، هفده نفر را از پشت کعبه خارج می‌سازد: پنج نفر از قوم موسی(ع) که به حق راه یافته بودند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع بن نون، ابودجانه، مقداد بن اسود و مالک اشتر (شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ۱۷۳).

ج. ولایت

ولایت در لغت از ماده «وَلَّى»، بر وزن «فَلَس» به معنای نزدیکی است (قرشی، ج ۷، ۲۴۵). مفسر کبیر، طبرسی نیز در معنای واژه ولایت گوید: «ولی از وَلَّى، به معنای نزدیکی بدون فاصله است و او کسی است که به تدبیر امور از دیگری سزاوارتر است» (طبرسی، ج ۲، ۳۶۵-۳۶۶). واژه ولایت را به معنای سرپرستی یا دوستی دانسته‌اند (ابن منظور، بیتا، ج ۱۵، ۴۰۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ۴۵۵). به گفته علامه طباطبایی، حق مطلب این است که ولایت به معنای نصرت و یاری نیست؛ بلکه به معنای سرپرستی و مالکیت تدبیر است. این معنا، معنایی عمومی است و در تمامی مشتقات آن جریان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ۳۱۷). از نظر فَخْرُالدِّین طَرِیحی، صاحب مجمع البحرین، ولایت به تدبیر و قدرت و فعل اشاره دارد و به معنای محبت اهل بیت و پیروانشان، امثال اوامر و نواهی آنان و تأسی به آنها در رفتار و اخلاق است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ۴۶۲).

مقصود از ولایت در اصطلاح شرعی، سلطه و سلطنت است، و به تعبیری دیگر، قدرت شرعی و قانونی است که شارع آن را به اصالت و یا به صورت عرضی، (ولایت به اصالت (بالاصالة)، مانند ولایت پدر و جدّ پدری بر صغار. و ولایت عرضی (بالعرض)، مانند ولایت وصی و یا عدول از مؤمنین در صورتی که پدر و جدّ پدری نباشد.) جعل نموده است و به صاحب آن اجازه می‌دهد در امور دیگری (اعمّ از جان یا مال و یا هر دو) دخالت نماید (طباطبایی یزدی، ۱۳۳۷ش، ج ۶، ۴۱۳). حضرت محمد(ص) در روایات متعددی همچون روایت عشیره، روایت انس، روایت غدیر، روایت منزلت، روایت ثقلین، روایت سفینه و ... به مساله ولایت اشاره کرده‌اند. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۶ش، ج ۲، ۲۰۶).

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب و مقاله درباره‌ی سردار شهید قاسم سلیمانی تالیف شده است. هم‌چنین درباره مالک اشتر نخعی مقالات و پایان‌نامه‌هایی به رشته‌ی تحریر درآمده است.

این موضوع اهمیت و جایگاه این دو فرمانده بزرگ سپاه اسلام را نشان می‌دهد. در ادامه به مواردی از این تالیفات اشاره می‌کنیم:

«من قاسم سلیمانی هستم» نوشته‌ی ناصر کاوه

«از چیزی نمی‌ترسیدم»، زندگی‌نامه خودنوشت قاسم سلیمانی

«حاج قاسم رفیق خوشبخت ما» تالیف محمد محمدی نیا و اسدالله محمدی نیا

«سلوک در مکتب سلیمانی»، نوشته محمدجواد رودگر

«واکاوی سبک رهبری سردار شهید قاسم سلیمانی الگوی متعالی رهبری خدمتگزار» از محمد ازگلی و میثم قراباغی

«زندگی پر افتخار مالک اشتر؛ قهرمان قهرمانان» از محمد محمدی اشتهداری

«شخصیت مالک اشتر، او که بود و چه کرد؟» نوشته‌ی محمدحسن دهقان

«تک‌سوار عرب ذوالفقار علی(ع)» تالیف سیدمحمدرضا قیاسیان

«مالک اشتر الگویی برای پیروان علی(ع)» از مجید کیانی به راهنمایی دکتر محمود سید

«پژوهشی پیرامون زندگی و عملکرد مالک اشتر» نوشته علی اکبر عباسی به راهنمایی دکتر صالح پرگاری

همان‌طور که مشاهده می‌شود این نگارش‌ها عمدتاً به صورت انفرادی انجام گرفته و جز در چند مورد مطالعه‌ی تطبیقی مشاهده نمی‌کنیم. در واقع در هیچ منبعی به بررسی تطبیقی شخصیت سردار با مالک اشتر پرداخته نشده است. تنها مقاله‌ای با عنوان بررسی علل تشابه سردار شهید قاسم سلیمانی با مالک اشتر نخعی (وجه تشابه این دو سردار نظامی صدر اسلام و معاصر با یکدیگر) خصوصاً از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی به مقایسه این دو فرمانده پرداخته است. هم‌چنین کتاب مالک زمان نوشته‌ی گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی که شامل داستان‌هایی برگرفته از سخنان امیرالمومنین علی(ع) به مالک اشتر و خاطرات سرباز اسلام شهید حاج قاسم سلیمانی می‌باشد. اما تاکنون نگارشی صورت نگرفته که وجه اشتراک این دو فرمانده بزرگ را از بعد تحلیلی مدنظر قرار دهد. لذا در این نوشتار برآن شدیم تا به این موضوع جامه‌ی عمل بپوشانیم.

۴. ویژگی‌های فرماندهی

الف. درباره مالک اشتر نخعی

در تاریخ آمده است که مالک اشتر نخعی شخصیتی دو بعدی داشته است: بعد اول شخصیت وی مربوط به دوران پیش از اسلام است. زمانی که حضرت ختمی مرتبت به پیامبری مبعوث گشت. هم‌چنین بعد اول شخصیت مالک د زمان دو خلیفه اول بود. در این برهه از زمان نام او چندان بر سر زبان‌ها نیوفتاده بود. با این وجود از بزرگان میدان رزم و جنگاوران زیرک عرب محسوب می‌شد. به این دلیل است که تاریخ نام چندان در این بازه‌ی زمانی از وی نبرده است؛ چرا که او خود را وارد صحنه سیاست نکرده بود و حضور پر رنگی در این عرصه نداشت. اما بعد دوم شخصیت مالک در

زمان خلیفه سوم مطرح گشت که او وارد دنیای سیاست شد. از این زمان به بعد است که در متون تاریخی نام وی در کنار نام مقتدایش، علی بن ابیطالب به کرات به چشم می‌خورد. (امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ۴۱).

۱. ولایتمداری

رمز محبوبیت و پیروزی مالک، ولایت مداری و دشمن شناسی بود. او هیچ کاری بدون مشورت امیرالمؤمنین انجام نمی‌داد؛ چون مطیع امر ولایت بودن امر الهی است. مالک همواره حضرت امیر را به چشم رهبر و امام و پیشوایی یگانه می‌نگریست که اطاعت و پیروی از او را بر خود فرض دانسته و از تکالیف الهی محسوب می‌کرد. تاریخ اطاعت و ولایت‌پذیری مالک را در خلال جنگی با دشمن گذار چنین عنوان می‌کند که مردی که ما در رکاب او شمشیر از نیام برمی‌کشیم از اولیای خداست، او علی پسر عم رسول و برگزیده‌ی خداست که به مانند تیغی تیز و بران عمل می‌کند. او به ندای دعوت رسول خدا برای گرویدن به دین مبین اسلام لبیک گفت و همواره مصون از خطا و اشتباه است. او واقف به احکام دین خداست. مالک در ادامه سخن خود را اینگونه بیان می‌کند که آگاه باشید که این حق است؛ چرا که هم‌زمان شما افرادی هستند که در زمان رسول خدا و در رکاب حضرتش برای دفاع از دین شمشیر زده‌اند. اما دشمن که در سپاه مقابل قرار گرفته همواره بر باطل بوده است. ای رهروان دین خدا شک به دل راه ندهید؛ زیرا که این نشانه مرده دلی است. نتیجه و عاقبت امر هر چه که باشد، تفاوتی ندارد؛ چرا که یا به پیروزی و ظفر دست می‌یابید و یا با خون خود درخت تنومند اسلام را آبیاری می‌کنید و در هر دو صورت به سعادت حقیقی دست یافته‌اید. (امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ۳۹).

۲. تعبد و معنویت

از مالک اشتر نخعی با عنوان جوانی مؤمن، با صلابت و استوار یاد شده است که به آیین اسلام گرویده بود. یک بار در حضور پیامبر (ص) از او نام برده شد، حضرت فرمود: «او مؤمنی راستین است». (امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ۴۱). این گواهی از زبان پیامبر خدا (ص)، شخصیت بارز او را نشان می‌دهد.

۳. شجاعت

مالک چون مردی شجاع و دلاوری با تقوا بود در جنگ‌ها و فتوحات اسلامی از جمله در جنگ تبوک در سال ۱۳ هجری در عصر خلافت ابوبکر به مصاف رومیان رفت (طبری، ۱۳۷۹، ج ۴، ۴۰۱).

در داستان حکمیت مالک به تبعیت از امام نتیجه را پذیرفت با اینکه خود به این مسئله راضی نبود. امام اینگونه از مالک قدردانی کرده، برایش می‌نویسد که مالک از جمله افرادی است که تکیه‌گاه و به عنوان بازویی برای من است؛ چرا که او در احکام دین و نابودی دشمن پشت‌گرمی من بوده است. امام هم‌چنین حراست از مرزهای خطیر را به مالک می‌سپرده است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۴، ۴۰۱).

۶، ۷۴). هم‌چنین امام در نامه ۴۳ می‌فرماید: از شمشیرهای برنده الهی است که هرگز به کندی نمی‌گراید.

هنگامی که حضرت علی (ع) لشکری به تعداد دوازده هزار نفر، راهی شام می‌کرد فرماندهی آن‌را به او سپرد و به فرماندهان دیگر- زیاد بن نصر و شریح بن هانی- نوشت: «مالک بن حارث اشتر را بر شما و بر آنان که زیر فرمان شمایند فرماندهی می‌دهم. گوش به فرمانش باشید. او را زره و سپر خود قرار دهید؛ زیرا او از کسانی است که از سستی و سقوطش هیچ نگرانی وجود ندارد. نه در کاری که شتاب در آن به خردمندی و آینده‌نگری نیاز دارد سستی می‌کند نه در موردی که درنگ سزاوار است شتاب می‌ورزد» (نهج البلاغه، نامه ۱۳). آگاهی و معرفت امام در قبال سربازی مانند مالک باعث گشت امام در برهه‌های حساس زمانی از او دعوت به عمل آورد و امورات مهم و سنگین را به او بسپارد.

۴. خوش فکری و نبوغ

مالک همواره از مورداعتمادترین یاران امام بود. ثقفی در الغارات از زبان امام چنین آورده: تو امین‌ترین و مورد اعتمادترین اصحاب من و ناصحترین و خوش فکرتترین آنها نزد من هستی (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ ش، ۱۷۰).

۵. در فراق مالک

در امالی شیخ مفید آمده است که امام در شهادت مالک فرمود: مغفرت خدا برای مالک؛ چرا که او به وعده‌اش جامه‌ی عمل پوشاند، سپس از شهادت او با عنوان مصیبت عظیم یاد کرده است. (شیخ مفید، ۱۳۷۶ ش، ۸۳).

۶. مرد میدان مقاومت و سلحشوری

مالک اشتر مرد جنگ و مقاومت بود، سخنوری چیره‌دست، عارفی بصیر و پارسا بود و در علوم و معارف دینی مقام و منزلت خوبی داشت. بینش عمیق، معرفت فراگیر و ایمان قوی این بزرگ‌مرد با اخلاق پسندیده و سیاست علوی آمیخته شده بود. مالک تنها مرد پیکار و میدان جنگ نبود، بلکه با خصوصیات برجسته و خصلت‌های انسانی خود، گوی سبقت را از دیگران ربود و در بین همه آنها بلند آوازه گردید (امینی، بیتا، ج ۹، ۲۰۴).

۷. ارتش یک نفره

امام راحل در صحیفه‌ی نور درباره‌ی روح متعالی اسلام و تعبد و معنویت آن خاطرنشان می‌کند که این بعد از معنویت اسلامی تا آن‌جا ظرفیت دارد که می‌تواند انسان را به بالاترین سطح ارتقا دهد و این چنین یک فرد به مثابه جمعی عمل می‌کند، مانند مالک اشتر نخعی که خود به تنهایی یک لشکر بود. (خمینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ۲۶۵).

۸. پیام امام در شهادت مالک

امام علی(ع) در شهادت مالک مرثیه‌ای خواندند که به این مضمون، فرمود: مالک، اما چه مالکی! به خدا سوگند اگر کوه بود یکتا بود، و اگر سنگ بود سر سخت و محکم بود، مرکب راهوار اندیشه، قدرت نداشت از کوهسار وجودش بالا رود، و هیچ پرنده فکر انسانی نمی توانست به اوج قلّه روح بلندش پرواز کند. (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۴۳).

در اینجا امام صفات زیر را به عنوان صفات ویژه‌ای برای این فرمانده بزرگ و نمونه، می شمرد:

۱. عظمت روح

۲. بلندی فکر

۳. استواری و پایداری در برابر حوادث سخت

۴. هنگام نبودنش، عدم حضور او آشکار است.

فرمان امام علی(ع) درباره مالک اشتر نیز، از نفیس‌ترین و ارزنده‌ترین مطالب حکمرانی و مردم‌داری و حکومت‌داری است که در نهج البلاغه آمده است. حضرت درباره مالک چنین می فرماید:

عبدی از عبادالله را به سویتان گسیل دادم که بسیار شجاع است، وقت ترس یا حمله دشمن، پلک برهم نمی‌زند و به هنگامی جنگ در قبال دشمن ذره ای شک وجودش را فرا نمی‌گیرد. او با دشمنان بسیار تند بسان گدازه ای از آتش است. سخنان او همچون سخن من است. پس گوش فرا دارید و طاعتش برید تا آنجا که حق و درست می‌گوید؛ چرا که او شمشیری بران است که کندی در او راه ندارد. زیرا او همه‌ی امور را فقط بامشورت من به سرانجام می‌رساند. حضرت در ادامه می‌فرماید:

با اینکه در این موقعیت حساس نیاز مبرم به حضور مالک در کنار خود دارم، با این حمله او را به سوی شما می‌فرستم؛ چرا که او خیرخواه شماست و در مقابل دشمن بسیار سخت است. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۸).

از سخنان حضرت علی(ع) درباره این سردار رشید اسلام صفات زیر که از ویژگی‌های یک فرمانده نمونه است، استفاده می‌شود:

- در برهه‌های حساس، آگاه و هشیار است.
- از بزرگی دشمن هیچ‌گاه ترسی به دل راه نداده است.
- در مقابل دشمن محکم و استوار چون گدازه‌ای از آتش است.
- حملاتی که به دشمن وارد می‌کند، حساب شده و تاثیرگذار است.
- تابع محض ولایت و مقتدای خویش است.
- بسیار دلسوز اقشار مختلف جامعه است.
- در مقابل دشمن بسیار محکم و مقتدر است.

ب. درباره سردار قاسم سلیمانی

نمونه و مصداق چنین رهبر و مقتدایی در دوران معاصر شهید قاسم سلیمانی است. اشتراکات زیادی را می‌توان بین این دو فرمانده عنوان کرد. باتوجه به محدودیت‌های نوشتار حاضر به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

۱. ولایتمداری

او که مالک زمان خود است، در حساس‌ترین برهه‌ها گوش به فرمان و مطیع امر مولای خویش، علی زمان، امام خامنه‌ای بود. او به غایت ولایتمدار بود و به رهبر و مقتدای خویش عشق می‌ورزید. نگاه او به عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی‌امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا تنها از حیث رعایت سلسله مراتب نظامی نبود بلکه نگاهی بس فراتر داشت و از جنبه اعتقادی بدین امر می‌نگریست سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت‌ها و اعمال او همه و همه تعقیب‌کننده خط ولایت بود. بی‌جهت نیست که عبارت مالک اشتر ولایت در وصف او به کار برده می‌شود. شهید سلیمانی همواره گوش به فرمان ولایت بود و سخنان حضرت مقام عظمای ولایت را فصل الخطاب می‌دانست. در وصیت‌نامه شهید سلیمانی آمده است:

«جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب میدانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه‌ی رسول الله است.» (کاوه، ۱۳۹۸ ش، ۱۱۰). به امر امام(ره) در مورد عدم ورود نظامیان به کارهای سیاسی و حزبی و جناح‌بندی‌های سیاسی به شدت معتقد و پایبند بود. با اینکه اگر کاندیدای ریاست‌جمهوری می‌شد، رأی بالایی می‌آورد، اما یک لحظه هم به چنین پست و مقام‌هایی فکر نمی‌کرد.

۲. خدامحوری و معنویت

سردار سلیمانی به راستی مومنینی حقیقی بود که به مبانی و اعتقادات خود بسیار پایبند بود. او علاوه بر انجام واجبات عبادی به مستحبات نیز توجه ویژه‌ای داشت. از هر فرصتی برای تلاوت آیات قرآن و دعا و مناجات بهره می‌جست. مقید به تهجد و نماز شب بود. گریه‌ها و راز و نیازهای او در دل شب به روشنی تصویری از یک عارف واصل به دست می‌دهد عرفان و حماسه هرچند دو رفتار متفاوت می‌باشند اما وقتی عرفان، وصول به حقیقت از طریق شریعت و حماسه از جنس جهاد فی سبیل الله باشد جان‌مایه آن‌ها یکی می‌شود. به یاد بیاوریم دوران دفاع مقدس را که رزمندگان عزیز ما در اوج داشتن روحیه جنگندگی و سلحشوری و رزم و ستیز با دشمنان، سنگرهای خویش را به نیایش‌گاه‌هایی بس نورانی و معنوی تبدیل نموده بودند که در آن عاشقانه به ذکر و دعا و مناجات و راز و نیاز با حضرت حق جل و علی می‌پرداختند گویی آنان عرفایی بودند که در طریق سیر و سلوک معنوی، منزل به منزل ره پیموده‌اند. ایشان در وصیت خود نوشته: اشهد أن لا اله الا الله و اشهد أن محمداً رسول الله و اشهد أن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده المعصومین اثنی عشر ائمتنا و معصومینا حجج الله.

شهادت می‌دهم که قیامت حق است. قرآن حق است. بهشت و جهنم حق است. سؤال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.

۳. شجاعت

فرماندهی دلیر و بی‌باک در میدان نبرد علیه باطل بود. با مردم بسیار مهربان بود و مصداق آیه *أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ* (فتح/۲۹) بود. رهبر انقلاب از او با عنوان فردی یاد کرد که دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود.

۴. تکیه‌گاه

شهید والامقام سردار سلیمان عزیز، به حق از استوارترین پشتوانه‌ها و تکیه‌گاه‌های نظام و انقلاب بود. او همچون خاری در چشم دشمنان جهان اسلام و ملت ایران بود. شمشیری بود که در میدان نبرد همتایی نداشت. در وصیت‌نامه شهید نیز از شهدا و سربازان نیز با عنوان شمشیر برنده یاد کرده است و خود به طریق اولی در چنین جایگاهی قرار دارد: مردمی که دوست داشتی‌اند و در طول ۸ سال دفاع مقدس بالاترین فداکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین بسیار والامقامی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمند آنها هستم. هشت سال به خاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتلگاه‌ها و جنگ‌های شدیدی چون کربلای ۵، والفجر ۸، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشمند را به نام و به عشق امام مظلوم حسین بن علی به نام ثارالله، بنیان‌گذاری کردند. این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملت‌مان و مسلمان‌ها را شاد نمود و غم را از چهره آنها زدود.

۵. خوش فکری و نبوغ

نبوغ خدادادی شهید سلیمانی در فهم موقعیت‌ها، تیزبینی و واقع‌بینی نسبت به امور، شناخت دقیق دشمن، تجزیه و تحلیل صحیح تحولات، قدرت سازماندهی نیروها و امکانات، رفع موانع داخلی و خارجی، تبدیل تهدیدها به فرصت، قدرت انتخاب تاکتیک‌های مناسب، ایمان و توکل او به خداوند و آموزه‌های مکتبی، اعتماد او به دقت و صحت رهنمودهای رهبر انقلاب، پذیرش خطرات ناشی از ریسک ابتکار عمل و تصمیمات راهبردی از ویژگی‌های شهید سلیمانی بود که از او چهره‌ای کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر ساخته بود. سردار سلیمانی مسلط به دانش رزم بود. کسب این دانش و مهارت دقیق و حساس، به گونه‌ای کاربردی و نه صرفاً نظری، بایستی در میدان نبرد بود. حضوری مستمر داشت و آرام آرام با زوایای مختلف و پیچیدگی‌های فراوان آن آشنا شد.

این به معنی نبوغ وی تنها در عرصه‌ی نظامی نیست؛ چرا که او به اندازه نظامی‌گری فرهنگی بود و به اندازه فرهنگ سیاست‌میدانست به همین دلیل است حاج قاسم فرصتی کم‌نظیر برای هنرمندان عصر انقلاب است (کریمی، ۱۳۹۹ش، ۹۳).

۶. سخن رهبر در شهادت سردار سلیمانی

شیفته شهادت بود او در داغ فراق یاران هم‌زمش می سوخت و در نجوهای شبانه‌اش پیوسته از حضرت حق طلب شهادت می‌نمود. او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراندید. بزرگ‌ترین آرزوی او که هیچگاه در آن سستی و کاستی پدید نیامد، همانا شهادت بود و سرانجام به این آرزو دست یافت که به دست شقی‌ترین انسان روزگار به شهادت برسد. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود. خدای متعال شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد.

۷. مرد میدان مقاومت

سردار شهید سلیمانی بیش از آنکه به دنبال تقویت و تجهیز نیروهای مبارز با ابزار نظامی باشند، به تقویت فرهنگ مقاومت در میان گروههای مبارز توجه داشتند زیرا اگر این انگیزه و فرهنگ در میان گروههای مبارز تقویت شود، با هر وسیله و ابزاری به مقابله با دشمن خواهند پرداخت، اما اگر از نظر تجهیزات نظامی قوی شوند، اما فرهنگ مقاومت در آنها ضعیف شود، از این تجهیزات کاری بر نخواهد آمد. لذا شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها آموزش داد.

۸. ارتش یک نفره

در قرآن کریم آیه‌ای وجود دارد که بر امت بودن حضرت ابراهیم اشاره دارد.^۱ نظیر این تعبیر درباره شهید سلیمانی نیز آمده که سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز نگاه کنیم. مشخص است که مکتب به معنای پیکره بندی و رویکردی در اندیشه در حوزه‌ای خاص از دانش است که بر بنیادی زیربنایی‌تر بنیان شده و برای فرآورده‌های فکری خود رویکردساز و جهت دهنده است. مکتب فکری در منظومه‌ی، دانش بشری با مشخصه‌های خود شناخته می‌شود. او مردی نستوه و خستگی‌ناپذیر بود، از هیچ مشکلی نهراسید و هیچگاه دچار رخوت و سستی و رکود نشد، به غایت ساعی و تلاش‌گر بود و به آسایش خویش نمی‌اندیشید. علیرغم اینکه در چند عملیات مجروح شد اما همچنان بر بازگشت به جبهه پای می‌فشرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خطوط مقدم عملیاتی باز می‌گشت. برای کسی که عمر پر برکت خویش را در جنگ و جهاد گذرانده باشد شاید توجیه در پیش گرفتن یک زندگی آرام و بی دغدغه کاملاً پذیرفتنی باشد. اما روح بی‌قرار او از راحتی و آسایش گریزان بود و او می‌خواست تا پایان عمر و تا آخرین نفس سخت‌کوشانه و مجاهدانه به پیش رود.

۱. خداوند متعال در آیه شریفه ۱۲۰ سوره نحل، از آن حضرت به عنوان یک امت یاد کرده، و شخصیت او را همچون یک امت می‌ستاید. می‌فرماید: (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا، خالی از هر گونه انحراف و از مشرکان نبود.

ج. جمع‌بندی اشتراکات

در جمع‌بندی اشتراکات این دو سردار سرافراز اسلام به این نظر دست یافتیم که بیشترین ویژگی که این دو سردار را به هم نزدیک کرده، همانا کلیدواژه ولایت است. این واژه در زندگانی مالک اشتر نخعی که در تاریخ آمده بیشترین بسامد را داشته است. هم‌چنین سردار شهید قاسم سلیمانی پیوسته خود را سرباز ولایت می‌دانسته است. کلیدواژه‌های اشتراکی دیگر را به منظور امکان قیاس بهتر در جدولی به شرح زیر به نمایش می‌گذاریم.

جدول ۱. مقایسه صفات مالک اشتر نخعی و سردار شهید قاسم سلیمانی

ردیف	صفات	مالک اشتر نخعی	سردار شهید قاسم سلیمانی
۱	مؤمن راستین	حضرت فرمود: «او مؤمنی راستین است.» (امین، ۱۴۰۳، ق، ج ۹، ۴۱).	بخشی از وصیت‌نامه: اشهد أن لا اله الا الله و اشهد أن محمداً رسول الله...
۲	ولایت‌مدار	وی امام را مولا، مقتدا و پیشوای لازم الاطاعه خود می‌دانست و فرمانبرداری از او را تکلیف الهی می‌شمرد (امین، ۱۴۰۳، ق، ج ۹، ۳۹).	وصیت نامه شهید: برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید.
۳	جمع‌بودن در عین انفراد	مالک اشتر، یک نفر نبود، مالک اشتر یک آدمی بود که یک لشکر بود و بیش‌تر (خمینی، ۱۳۶۳، ش، ج ۶، ۲۶۵).	سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز نگاه کنیم
۴	شجاعت	مالک چون مردی شجاع و دلآوری با تقوا بود.	رهبان انقلاب از او با عنوان فردی یاد کرد که دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود.
۵	خیر‌خواه و فداکار	او نسبت به شما خیر‌خواه و نسبت به دشمنانتان سختگیر است. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۸).	روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها مطرح نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت.
۶	شمشیری برنده	او از شمشیرهای برنده الهی است که هرگز به کندی نمی‌گراید.	وصیت‌نامه شهید: این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملت‌مان و مسلمان‌ها را شاد نمود و غم را از چهره آنها زدود.

نتیجه‌گیری

شهید بزرگوار سپهبد حاج قاسم سلیمانی یک انسان خودساخته‌ای بود که حقیقتاً می‌توانیم بگوییم مالک اشتر زمان بود. از لحاظ روحی، دینی و تعبدی که نسبت به احکام اسلام داشت و اخلاص و فروتنی و قاطعیت و مدیریت و شجاعتی که داشت، همه این‌ها بر اثر این بود که در مکتب قرآن و اهل‌بیت تربیت شده بود.

مالک الگوی بسیاری از سلحشوران شیعه بود. در عصر حاضر نیز سردار سلیمانی را با مالک اشتر مقایسه کرده و او را تکرار کننده مالک دانسته‌اند. با بررسی توصیف‌ها و ترسیم‌های حضرت علی (ع) از مالک اشتر در خلال حکمت‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، به شخصیت کم‌نظیر، شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی می‌رسیم. سلیمانی مظهر مقاومت و چراغ راهی برای همه مجاهدان اسلام بود، الگویی تام و تمام از مالک اشتر علی (ع) که فتنه‌ها را به خوبی تشخیص می‌داد و هیچ‌گاه قدمی فراتر از ولی خود برداشت. حضرت امیرالمؤمنین (ع) مالک اشتر را از بهترین، با وفاترین، شجاع‌ترین و متقی‌ترین یاران توصیف کردند؛ حاج قاسم سلیمانی نیز با وفا، با صفا و صادق، متقی، دشمن شناس، بصیر و مجاهد و مبارز بود. آن‌ها هم نسبت به ولایت با وفا بودند و هم صادق، متقی و هم اهل بصیرت و شناخت بودند.

در نهایت می‌توان گفت: محوری که شخصیت شهید قاسم سلیمانی را به مالک اشتر نزدیک کرده ویژگی ولایتمداری است که در کوچکترین و بزرگترین صحنه‌ها در رکاب ولایت بوده و هر فرمان رهبری را انجام می‌داد. او دشمن شناس و استوار در حراست و دفاع از اسلام بود و قلبی مهربان داشت و همواره در جهت سعادت و نیکبختی مردم در تلاش بود.

ویژگی بعدی همانا عبودیت و بندگی خدا و خدامحوری است که به‌عنوان ویژگی مشترک این دو فرمانده در دو عصر و زمان متفاوت، بارز و مشهود است. و سومین ویژگی برجسته شجاعت این دو فرمانده است. شهادت تنها اجر و پاداش سردارانی همچون حاج قاسم سلیمانی و مالک اشتر بود که با اتصال به کمال احدیت، در وفاداری و همراهی با ولایت بی‌بدیل بودند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن‌شبهه، عمر (۱۳۹۹ق)، تاریخ المدینه، بی‌جا، بی‌نا.

ابن حجر، احمد بن علی (۱۴۱۵ق) الاصابه، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸هـ)، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دار الفکر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷هـ)، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر.

ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق) الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن مزاحم، نصر (۱۴۰۴ق) وقعه صفین، قم، کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع-دار صادر.

امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف.

امینی، عبدالحسین (بی‌تا)، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیة.

- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، بیروت، دار الفکر.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳ش)، *الغارات*، تهران، انجمن آثار ملی.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۶ش)، *امام شناسی*، مشهد، علامه طباطبایی.
- خمنی، روح الله (۱۳۶۳ش)، *صحیفه نور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸ش)، *الاخبار الطوال*، قم، منشورات رضی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۹۰ش)، *الاختصاص*، تهران، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- (۱۳۷۶ ش)، *امالی*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۳۷ق)، *العروه الوثقی*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳ق)، *تفسیر مجمع البیان*، تهران، نشر کتابفروشی اسلامیة.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۷۹ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرين*، محقق/ مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۵ش)، *قاموس قرآن*، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- کاوه، ناصر (۱۳۹۸ش)، *من قاسم سلیمانی هستم سرباز ولایت*، تهران، نوآوران سینا.
- کریمی، سید عبدالمجید (۱۳۹۹ش)، *رفیق خوشبخت ما*، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)؛ *بحار الانوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار*؛ بیروت، موسسه العفا، چاپ دوم.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، *البدء و التاريخ*، بی جا، مکتبه الثقافه الدینیة.
- میرزایی، عباس (۱۳۹۰ش)، *نبرد کرخه کور*، تهران، ناهید.
- یعقوبی، احمد (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.

References

The Holy Quran

Approach to rhetoric

Ibn Abi al-Hadid, Abdul Ham. 1984, *Sharh Nahj al-Balaghah*, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library.

Ibn Shabba, Umar. 1979, *History of Medina*, Bija, Bina.

Ibn Hajar, Ahmad Ibn Ali. 1994, *Al-Asaba*, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.

Ibn Khaldun, Abdul Rahman Ibn Mohammad. 1988, *History of Ibn Khaldun*, Beirut, Dar al-Fikr.

Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar. 1987, *The Beginning and the End*, Beirut, Dar al-Fikr.

Ibn Nasad, Mohammad. 1990, *Al-Tabqat Al-Kubra*, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.

Ibn Mazahim, Nasr. 1984, *Safin incident*, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library.

- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram (nd), Arabic language, researcher / editor: Mir Damadi, Jamal al-Din, Beirut, Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution-administration.
- Amin, Seyyed Mohsen. 1983, Shiite nobles, Beirut, Dar al-Ta'rif.
- Amini, Abdul Hussein (nd), Al-Ghadir in Books, Sunnah and Literature, Tehran, Islamic Bookstore Publishing.
- Blazeri, Ahmad Ibn Yahya. 1996, Ansab al-Ashraf, Beirut, Dar al-Fikr.
- Saghafi, Ibrahim Ibn Mohammad (1974), Al-Gharat, Tehran, National Works Association.
- Hosseini Tehrani, Seyyed Mohammad Hossein. 2005, Imamology, Mashhad, Allameh Tabatabai.
- Khomeini, Ruhollah. 1985, Sahifa Noor, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Dinuri, Ahmad Ibn Daud (1989), Al-Akhbar Al-Tawwal, Qom, Razi Publications.
- Sheikh Mufid, Mohammad Ibn Mohammad Ibn Numan (2011), Al-Ikhtasas, Tehran, Correction and suspension of Ali Akbar Ghaffari Tehran, Scientific and Cultural Publications.
- , -----, (1997). Amali, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1995), translated by Tafsir Al-Mizan, Qom جامعه , Teachers Association Publications.
- Tabatabai Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem. 1959, Al-Arwa Al-Wathqi, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan. 1983, Tafsir Majma 'al-Bayan, Tehran, Islamic Bookstore Publishing.
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir. 1959, Comprehensive statement in the interpretation of the Qur'an; Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, first edition, 2000.
- Tarihi, Fakhr al-Din bin Muhammad. 1997, Bahrain Assembly, researcher / editor: Hosseini Eshkevari, Ahmad, Tehran, Mortazavi.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar. 1997, Quran Dictionary, Tehran, Islamic Library Publishing.
- Kaveh, Nasser. 2020, I am Qasim Soleimani, a provincial soldier, Tehran, Sina Innovators.
- Karimi, Seyed Abdolmajid. 2020, our happy friend, Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing House.
- Majlisi, Mohammad Baqir. 1983, Bihar Al-Anwar Al-Jama'ah Ledra Akhbar Al-Aimah Al-Athar; Beirut, Alfa Institute, Second Edition.
- Moqaddasi, Motahar Ibn Tahir (nd), Al-Bada 'wa Al-Tarikh, Bija, Maktab al-Thaqafah al-Diniya.
- Mirzaei, Abbas (2011), The Battle of Karkheh Kor, Tehran, Nahid.
- Yaqubi, Ahmad (nd), History of Yaqubi, Beirut, Dar Sader

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: حکمت شاهرخ، اسماعیل، سردار شهید قاسم سلیمانی و سردار شهید مالک اشتر نخعی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۲۱۲-۱۹۷.